



معلم همه چیزدان

ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات در نظامهای آموزشی جهان، با فراز و فرودها و آزمون و خطاهای بی شماری همراه بوده است. تجربه جهانی حاکی از شگفت زدگی آموزش و پرورش کشورها در برابر موج اولیه ورود فناوریهای جدید آموزشی است که در نهایت پس از آزمونهای فراوان، به حدی از واقع گرایی و تعادل انجامیده است. نگاههایی که امیدوار بودند با سرینجه فناوریهای نو «حلال» تمامی مشکلات تعلیم و تربیت حل شوند؛ مدیرانی که به دنبال کم کردن نسبت دانش آموز به رایانه بودند و رمز موفقیت خود را در این می دیدند که با پرکردن مدارس از رایانه، پیشرفته بودن مدارس خود را به رخ بکشند؛ سیاست گزارانی که به تولید چند رسانه ایهای آموزشی پرداختند و امید آن داشتند که به تدریج چند رسانه ایها جای کتاب و بلکه معلم را بگیرند. مسئولانی که تعریف خود را از معلم تغییر دادند و بر آن بودند که از معلم «شبهه المتخصص» رایانه بسازند تا او به کمک رایانه، آموزش را تر و تازه کند و بچه های کاهل و درس نخوان را به مدد پاورپوینت، پویانمایی، تخته هوشمند (اسمارت برد) و سی دی های جذاب، مشتاق درس کند؛ مدیرانی که ذوق زده به دنبال آزمونهای آنلاین بودند و مانند

اینها. چه کلاسهای فراوانی برگزار شدند تا به معلمان آموخته شود چگونه چند رسانه ای بسازند و ذهن معلمی را که نگران تمام کردن حجم سنگین کتاب در زمان معین بوده است، با افزودن باری بر دوش او مشوش تر کرده اند. در ایران نیز پس از یک دهه پیشرفت در پی آزمون و خطاهای ناگزیر، به نظر می رسد که به درک درستی از جایگاه «فناوری اطلاعات و ارتباطات» در آموزش دست یافته ایم. ولی این روزها که از گوشه و کنار می شنوم برای معلمان کلاسهای تولید محتوای الکترونیکی می گذارند، از خود می پرسیم: آیا می توان تولید محتوای الکترونیکی - در حد تعریف محدود آن به چند رسانه ای آموزشی - را از معلم انتظار داشت؟ آن هم چند رسانه ایهایی که ساخت آنها در تراز قابل قبول، به گروهی با تخصصهای گوناگون نیاز دارد. به نظر می رسد که ضرورت دارد برخی دوستان ما در آموزش و پرورش، اندکی درباره این پرسش تأمل کنند، «رشد مدرسه فردا» مهبیای گشودن بحث در این باب و درج نظر دوستان در این زمینه است.

